

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۱
چشم‌انداز ۱۳۹۲

زیر نظر شورای نویسندگان



تحوالات راهبردی همسایگان

عراق

مقدمه

عراق در سال ۱۳۹۱ همچون سال‌های گذشته، یکی از خبرسازترین کشورهای جهان بود. تحولات این کشور به علت‌های گوناگون بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است. از این رو، گزارش حاضر تلاش دارد وضعیت عراق را در ابعاد داخلی و بین‌المللی بررسی کند، تأثیر آن را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بسنجد و از رهگذر تحلیل عمیق این تحولات، چشم‌اندازی از آنچه را در سال ۱۳۹۲ در این کشور قابل تصور است، پیش‌بینی کند.

وضعیت بین‌المللی و منطقه‌ای عراق

با خروج نیروهای آمریکایی از عراق و واگذاری کامل حاکمیت به این کشور، دولت عراق برای ایفای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی خود دست به تحرکاتی زد. نخستین اقدام این کشور میزبانی بیست و سومین اجلاس سران اتحادیه عرب در تاریخ ۸ فروردین ۱۳۹۱ بود که به مدت سه روز در بغداد برگزار شد. دولت عراق برای هرچه با شکوه‌تر برگزار کردن این اجلاس تلاش زیادی به عمل آورد و کمترین امیدواری عراق این بود که رابطه خود را با دنیای عرب ترمیم کند. به همین منظور المالکی، نخست وزیر عراق به منزله عالی‌ترین مقام عراقی برای دعوت از امیر کویت شخصاً عازم این کشور شد. در اجلاس مزبور رؤسای کشورهای کویت، کومور، جیبوتی، لبنان، فلسطین، سودان، تونس، سومالی و لیبی، نخست وزیر اردن و وزراء خارجه کشورهای یمن، موریتانی، مراکش، مصر، بحرین، رئیس مجلس الجزایر، فرستاده ویژه پادشاه عمان، وزیر دولت در امور هیئت وزیران امارات و مشاور امور دیپلماتیک قطر در این اجلاس شرکت کردند. امیر کویت در پاسخ به سفر المالکی در این اجلاس شرکت کرد. عراق انتظار

با وجود موانع موجود، دولت عراق توانسته است گام‌های مثبتی را برای تحقق راهبرد منطقه‌ای و بین‌المللی خود بردارد

داشت برگزاری این اجلاس راه بازگشت او به جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش را هموار کند، اما برخلاف این تصور، عربستان در سطح قابل قبولی در این اجلاس شرکت نکرد. کشورهای دیگر خلیج فارس نیز به پیروی از آن در سطح سران شرکت نکردند در نتیجه، عراق تا حدود زیادی، در رسیدن به هدف خود ناکام ماند. در واکنش به این اقدام دولت عراق نیز در نشست فوق‌العاده کشورهای عضو همکاری‌های اسلامی در ریاض در همان سطح شرکت کرد و بدین ترتیب، چالش دو کشور در سطح منطقه رو به فزونی گذاشت. از این رو، دولت بغداد بارها عربستان را به پشتیبانی از گروه‌های تروریستی در عراق متهم کرد. بر خلاف شیعیان، اهل سنت عراق به بهانه‌های مختلف به مخالفت با اجلاس مزبور پرداختند و حتی برخی از سران گروه پارلمانی عراقیه در زمان برگزاری اجلاس، بغداد را ترک کردند.

مدت زمان کوتاهی پس از این اجلاس، عراق میزبان مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای ۵+۱ در بغداد بود. با فاصله اندکی دو پدیده مزبور عراق را به تیتیر خبر رسانه‌های جهان و متفاوت از تحولات یک دهه گذشته این کشور تبدیل کرد و دولتمردان عراق را به پیگیری این مسیر مصمم ساخت. متعاقب آن، المالکی به کشورهای روسیه، صربستان، ایران و اردن سفر کرد تا روندی را که این کشور در آغاز سال ۱۳۹۱ آغاز کرده بود، تکمیل کند. اما پویایی تحولات منطقه از جمله تحولات سوریه، مداخله‌های ترکیه در امور منطقه و به ویژه اقلیم کردستان عراق و اهل سنت این کشور، هم پیمانی سه کشور سعودی، قطر و ترکیه در قبال مسائل منطقه‌ای مانع رسیدن عراق به جایگاهی شد که انتظار آن را داشت. این شرایط زمینه‌ای را فراهم کرد تا به موازات اقدامات دولت مرکزی رئیس اقلیم کردستان و رهبران عراقیه نیز تلاش کنند تا روابط خود با کشورهای منطقه را بهبود بخشند. به همین منظور مسعود بارزانی، که از قدرت‌یابی دولت مرکزی عراق و پیوستن به دنیای عرب به شدت در هراس است، به کشورهای ترکیه، قطر و امارات سفر کرد. تلاش بارزانی این بود که مانع دستیابی عراق به جایگاه مورد نظرش در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای شود و در مقابل، کشورهای مزبور نیز در صدد بودند که کردها را به جای هم‌پیمانی با شیعیان و دولت المالکی به هم‌پیمانی با اهل سنت این کشور متمایل کرده و از ابزار و توانمندی‌های بارزانی برای کمک به مخالفان سوریه و به سقوط کشاندن دولت سوریه به منزله هم‌پیمان راهبردی جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری کنند. از مجموع کنش بازیگران منطقه‌ای مخالف دولت المالکی می‌توان این راهبرد را به راحتی درک کرد که کشورهای عربستان، قطر و ترکیه تلاش دارند معادله کنونی عراق، که در آن اکثریت شیعه حکومت و قدرت را در دست دارد، تغییر دهند. بنابراین مشاهده می‌شود که طارق هاشمی در سه کشور مزبور در حال رفت و آمد و رایزنی است. روابط مناسب ترکیه با آمریکا، موافقت ضمنی واشنگتن با حضور فعال آنکارا در عراق برای جلوگیری از نفوذ ایران، نیاز بارزانی و ترکیه به یکدیگر و نیز نیاز عربستان و قطر به همراه کردن کردها با اهل سنت عراق به جای هم‌پیمانی کرد و شیعه و در نتیجه دور شدن از محور ایران، به ترکیه این مزیت را بخشیده است که

به نمایندگی از دو کشور دیگر حضور فعال و عملیاتی‌تری در داخل عراق داشته باشد. نتیجه آنکه با وجود موانع موجود، دولت عراق توانسته است گام‌های مثبتی را برای تحقق راهبرد منطقه‌ای و بین‌المللی خود بردارد. شاید بتوان مهم‌ترین دست‌آورد بغداد را در این زمینه در موضوعات زیر دانست:

بهبود رابطه با کویت؛ تلاش برای خروج این کشور از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد (امری که با سفر دبیر کل سازمان ملل به دو کشور کویت و عراق به نقطه قابل اتکایی رسید)؛ امضای توافق نهایی نظامی و امنیتی مشترک با واشنگتن و خرید هواپیماهای پیشرفته جنگی از این کشور در جریان سفر مقامات عالی نظامی عراق به آمریکا؛ برگزاری نشست بین‌المللی اسیران و زندانیان فلسطینی با حضور سلام فیاض، نخست‌وزیر دولت خودگردان فلسطینی، در بغداد و اختصاص ۲ میلیون دلار به این موضوع؛ عقد قرارداد ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلاری نظامی با روسیه و انعقاد قرارداد خرید انواع بالگردهای پیشرفته از نوع ام ۲۸، سیستم موشکی و جنگنده‌های میگ ۲۹ در جریان سفر المالکی به مسکو و استقلال سیاست منطقه‌ای این کشور در قبال تحولات سوریه و بحرین که چندان مطلوب آمریکا به منزله کشوری که روابط راهبردی با عراق دارد، نیست و شاید به همین دلیل بود که مک دونو، مشاور امنیت ملی آمریکا، در آبان‌ماه سال جاری به بغداد عزیمت کرد تا در زمینه بازدارندگی سیاست مستقل عراق یا متمایل به جبهه ضد غربی و عربی در قبال سوریه و خریدهای نظامی این کشور از روسیه رایزنی کند.

به موازات دستاوردهای دولت عراق رئیس اقلیم کردستان نیز توانست در زمینه تثبیت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود گام‌های مثبتی بردارد. استمرار روند بازگشایی نمایندگی کشورها در اربیل، که تعداد آنها هم اکنون به ۲۷ نمایندگی می‌رسد؛ گسترش روابط اقتصادی با کشورهای امارات، کویت، عمان، قطر و ترکیه؛ تبدیل ترکیه به اصلی‌ترین شریک تجاری با میزان ۵۵ درصد سرمایه‌گذاری خارجی، به ویژه در صنایع نفت و گاز؛ عقد قرارداد ده‌ساله با این کشور برای فروش روزانه ۳ میلیون بشکه نفت و ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز در سال؛ افزایش مبادلات تجاری به بیش از ۴ میلیارد دلار و جذب شرکت‌های بزرگ چندملیتی نفتی برای سرمایه‌گذاری در کردستان و نشان‌دادن چهره‌ای امن و باثبات از کردستان عراق که می‌تواند در جبهه‌بندی منطقه‌ای در جهت مخالف با دولت مرکزی نقش ایفاء کند.

وضعیت داخلی

وضعیت داخلی عراق در سال ۱۳۹۱ با تأثیرپذیری از کنش‌گران منطقه‌ای و داخلی، متلاطم و در برخی مواقع بحرانی بود، زیرا سه کنشگر اصلی در داخل این کشور یعنی کردها، اهل سنت و شیعیان همچون سال‌های قبل در اثر تعارضات ساختاری عراق یا گرایش به جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای اهداف و راهبردهای خاص خود را تعقیب کردند، از این رو، وقوع سه بحران سیاسی

کشورهای عربستان،
قطر و ترکیه تلاش
دارند معادله کنونی
عراق، که در آن
اکثریت شیعه
حکومت و قدرت را
در دست دارد، تغییر
دهند

داخلی، افزایش ناامنی و ناکارآمدی دولت مرکزی در تأمین خدمات عمومی مورد نیاز مردم پنج شاخص وضعیت داخلی عراق‌اند که به شرح زیر بررسی می‌شوند.

بحران سلب اعتماد از المالکی

نخستین بحران این کشور موسوم به پروژه سلب اعتماد از المالکی، نخست‌وزیر شیعه‌مذهب این کشور را شاید بتوان ادامه بحرانی دانست که در اواخر سال ۱۳۹۰ با تحت تعقیب قرار دادن طارق الهاشمی از سوی دستگاه قضایی میان دولت مرکزی و اهل سنت رخ داده بود و به قهر وزرای فهرست عراقیه منجر شد. بازگشت وزرای اهل سنت عراق به جلسات دولت موقتیتی برای المالکی و ناکامی بزرگی برای ایاد علاوی، مجری این پروژه بود. علاوی که خود را در آستانه خداحافظی همیشگی با قدرت در عراق می‌دید، به بهانه تمکین نکردن المالکی به توافق‌نامه ۲۰۱۰ اربیل که طی آن، قرار بود علاوی رئیس شورای عالی سیاست‌های راهبردی شود، صدور حکم غیابی اعدام برای طارق الهاشمی و معرفی نکردن وزرای امنیتی از سوی المالکی (وزرای دفاع، کشور و امنیت ملی)، تحرک جدیدی را علیه المالکی آغاز کرد و از آنجایی که توافق اربیل با ابتکار مسعود بارزانی شکل گرفته بود، با رایزنی فشرده با بارزانی پای وی را به این کشمکش باز کرد. بارزانی نه به این سبب که اهل سنت است، بلکه با این تصور که قدرت‌یابی المالکی و دولت مرکزی خطری جدی برای جایگاه وی در کردستان است، به خواست علاوی و اهل سنت پاسخ مثبت داد و اجرا نشدن ماده ۱۴۰ قانون اساسی درباره کرکوک، طرح ادعاهای جدید ارضی در استان دیالی و موصل، کارشکنی دولت عراق در زمینه بهره‌برداری از منابع نفت اقلیم و به ویژه مخالفت دولت مرکزی با سرمایه‌گذاری شرکت اکسون موبیل آمریکا در اقلیم، تعداد و حقوق پیش‌مرگان کرد و به کارگیری افسران بعثی در ارتش عراق و خرید هواپیماهای پیشرفته اف ۱۶ از آمریکا برای سرکوب کردها را به فهرست مطالبات علاوی افزود و با رایزنی با برخی از رهبران گروه‌های معتدل و مقبول شیعه تلاش کرد مخالفت با المالکی را به مسئله‌ای ملی تبدیل کند. بدین سان نخستین بحران سیاسی عراق با مدیریت مسعود بارزانی علیه المالکی آغاز شد. مخالفان دولت خواهان برگزاری نشست ملی با شرکت همه طرف‌های درگیر و متعهد کردن دولت به اجرای توافق‌نامه اربیل شدند. هم‌گرایی کرد و اهل سنت موجب شد گروه‌های شیعه متعامل با این پروژه خود را کنار بکشند و انسجام داخلی بر گروه‌های شیعه حکم‌فرما و نخستین آثار شکست بارزانی نمایان شود. تاکتیک مشترک بارزانی و علاوی در آغاز، متقاعد کردن شیعیان به ملزم کردن المالکی به اجرای توافق اربیل معطوف شد، اما شیعیان تمایلی به این مطالبه بارزانی از خود نشان ندادند. بارزانی که با واگرایی شیعیان از این پروژه و سکوت اسرارآمیز اتحادیه میهنی و شخص طالبانی و مخالفت‌های گاه و بی‌گاه نوشیروان مصطفی، رهبر جنبش تغییر، که در این هنگام به تهران سفر کرده بود، روبه‌رو بود، در ابتکار جدیدی با دعوت مقتدا صدر به اربیل برای خروج از بن‌بست ایجادشده تحرک خود

شیعیان با جمعیت بین ۵۵ تا ۶۰ درصدی عراق در هم‌پیمانی با کردها ۷۰ درصد جمعیت و در نتیجه، کرسی‌های پارلمان را در عراق نوین در اختیار دارند که در یک نظام پارلمانی تکیه‌گاه مناسبی برای پیشبرد سیاست‌های آنها بوده است

را متوجه بخش احساسی شیعه کرد. در اربیل، جلسه‌ای با حضور سران فهرست عراقیه، اکراد و مقتدی صدر تشکیل شد، مقتدا صدر با پیشنهاد کردها و اهل سنت مبنی بر دادن فرصت محدودی به المالکی برای اجرایی کردن توافق اربیل و در صورت اجرانشدن، سلب اعتماد از وی از طریق پارلمان موافقت کرد و عراق وارد بحرانی تمام‌عیار شد. بارزانی امیدوار بود با به دست آوردن اکثریت پارلمانی از طریق سازوکار قانون اساسی کار المالکی را یکسره کند، اما مشارکت نکردن سید عمار حکیم با وجود رایزنی فشرده کردها با وی و جلال طالبانی، رئیس جمهور عراق، که به بهانه جایگاه قانونی خود در جلسه اربیل حضور نیافت، کار مخالفان المالکی را با دشواری روبه‌رو و چشم‌انداز این پروژه را تیره و تار کرد. به هر حال، جمع‌آوری امضای نمایندگان پارلمان برای سلب اعتماد از المالکی آغاز شد تا بر اساس آن، رئیس جمهور از پارلمان بخواهد از وی سلب اعتماد کنند. در میان اخبار ضد و نقیض تعداد امضاءهای موافق و مخالف سلب اعتماد، طالبانی اعلام کرد که امضای نمایندگان برای سلب اعتماد المالکی به حد نصاب نرسیده است. با رایزنی‌های بعدی، مقتدی صدر نیز از جرگه مخالفان المالکی خارج شد و روندی که می‌توانست به سرنوشتی دولت عراق و برگزاری انتخابات زودرس یا معرفی فرد دیگری از فهرست ائتلاف ملی منجر شود، با ناکامی روبه‌رو شد. نتیجه این کشمکش پیروزی آشکار المالکی و شکست مسعود بارزانی بود. از مهم‌ترین آثار آن آشکارشدن شکنندگی انسجام بازیگران اقلیم کردستان بود که با عدم امضاء نمایندگان اتحادیه میهنی و جنبش تغییر در پارلمان از سلب اعتماد المالکی نمایان شد. این تحول حاوی دو پیام بود: اول نوید بازگشت طالبانی به صحنه سیاسی کردستان و ترک سیاست مدارای گذشته با بارزانی و دوم آغاز روند هم‌گرایی اتحادیه میهنی و جنبش تغییر و به صدا درآمدن زنگ خطر برای یک‌تازی بارزانی در کردستان. هرچند گروه‌های اسلامی کرد بر خلاف انتظار به مدافعان سلب اعتماد از المالکی تبدیل و در سیاست داخلی کردستان هم‌پیمان بارزانی شدند.

درگیری دولت مرکزی با اقلیم کردستان

درگیری دولت مرکزی با اقلیم کردستان به فاصله اندکی از بحران اول، در زمانی که همه گروه‌ها برای برون‌رفت از بحران سیاسی کشور بر ضرورت تشکیل نشست ملی به ریاست جلال طالبانی تأکید کردند و چشم‌انتظار بازگشت وی از سفر درمانی از آلمان بودند، به وقوع پیوست. بدین صورت که دولت عراق در اعتراض به سفر غیرقانونی وزیر خارجه ترکیه به اربیل و توافق کردها با این کشور برای مداخله در امور سوریه، هنگام اعزام واحدهایی از لشکرهای ۱۰ و ۱۱ به سوی مرز عراق با سوریه به منظور کنترل مرز، با مخالفت اقلیم روبه‌رو شد و کار تا آستانه درگیری پیش رفت، اما با مذاکره دو طرف و پادرمیانی بازیگران خارجی مسئله فیصله یافت. البته دولت با تشکیل نیرویی موسوم به دجله و استقرار این نیرو در مناطق مورد اختلاف در کرکوک و دیالی به روند موجود ادامه داد؛ موضوعی که در کرکوک، به درگیری محدودی

وضعیت داخلی
عراق در سال
۱۳۹۱ با تأثیرپذیری
از کنش‌گران
منطقه‌ای و داخلی،
متلاطم و در برخی
مواقع بحرانی بود

در کنار بحران‌های سیاسی و استمرار ناامنی‌ها در عراق، ناتوانی دولت در ارائه خدمات عمومی به مردم نظیر آب، برق، بهداشت و رشد انجام‌گسیخته فساد اداری و مالی نیز مزید بر علت شده است

بین نیروهای دجله و پیش‌مرگان کرد منجر شد. استقرار نیروی دجله در مناطق هم‌مرز با اتحادیه میهنی به جا به جایی درگیری نیروهای مؤثر کردی با دولت مرکزی کمک کرد و این‌بار توپ به زمین اتحادیه میهنی و طالبانی پرتاب شد، اما بارزانی با زیرکی خود را از معرکه کنار نکشید و اعلام کرد در این درگیری، در کنار اتحادیه میهنی خواهد ایستاد تا کاری را که در بحران قبل ناتمام مانده بود، با جلوانداختن طالبانی تمام کند و بدین‌سان در مدت کوتاهی بار دیگر، آتش اختلاف بین کردها و دولت مرکزی مشتعل شد. طالبانی در اعتراض به این روند از بازگشت به بغداد خودداری کرد. اصرار المالکی بر عربی‌بودن شهر کرکوک، عدم اجازه به کردها برای توسعه سرزمینی در استان‌های دیالی و نینوا، به کارگیری افسران سنی‌مذهب در قالب نیروی دجله، اظهارات ملی‌گرایانه المالکی و نزدیکان وی درباره هم‌پیمانی کرد و شیعه، با این هدف صورت گرفت تا از المالکی چهره‌ای ملی و عربی به نمایش بگذارد. این شیوه مؤثر واقع شد و به محبوبیت وی میان جامعه اهل سنت انجامید تا جایی که دو تن از نمایندگان ائتلاف العراقیه از این ائتلاف خارج شدند و به المالکی پیوستند، اما این تنها دستاورد این بحران نبود، بلکه در جبهه مقابل نیز، به اتحاد کردها منجر شد و حتی گروه‌های اسلامی کرد تعابیری علیه المالکی و شیعه به کار بردند که بسیار دور از انتظار بود. با رایزنی غیرعلنی نمایندگان جمهوری اسلامی ایران، سرانجام طالبانی متقاعد شد به بغداد برگردد تا با استفاده از اختیارات ریاست جمهوری و بازکردن باب مذاکره برای کنترل بحران اقدام کند و کار ناتمام دو هیئت اعزامی کردستان به بغداد را در دوره بحران به نتیجه برساند. با ورود طالبانی کار گفت‌وگوها از سر گرفته شد و هنوز چند ساعتی از پایان نخستین دور گفت‌وگو و اظهار خوش‌بینی دو طرف نگذشته بود که خبر سکنه مغزی طالبانی و به کما رفتن وی و سپس انتقالش به آلمان بر دیگر اخبار عراق غلبه کرد و سرانجام درگیری کرد و المالکی در پرده‌ای از ابهام باقی ماند.

درگیری دولت مرکزی با اهل سنت

در گرماگرم گمانه‌زنی‌ها درباره سرنوشت طالبانی، به ناگاه خبر دستگیری محافظان رافع العیسوی، وزیر دارایی و از سران گروه العراقیه و محاصره منزل وی از سوی نیروهای امنیتی به اتهام دست‌داشتن در عملیات‌های تروریستی به روی تلکس‌های خبری دنیا رفت. سران العراقیه المالکی را متهم کردند با تکرار پروژۀ طارق الهاشمی در صدد به حاشیه راندن رهبران اهل سنت از قدرت است. با اوج گرفتن تنش بین المالکی و العراقیه با رایزنی‌های جداگانه سفیر جمهوری اسلامی، سید عمار حکیم و سفیر امریکا در عراق بسیاری از افراد بازداشت‌شده آزاد شدند و محاصره منزل وزیر مالیه نیز پایان یافت، اما مردم استان الانبار در حمایت از رافع العیسوی، علیه المالکی به خیابان‌ها ریختند و اعتراضات مردمی در فاصله زمانی کوتاهی به سایر استان‌های سنی‌نشین سرایت کرد. این تظاهرات مورد حمایت گروه‌های سیاسی سنی

در حاکمیت، تروریست‌ها و هواداران صدام قرار گرفت و عزت الدوری، معاون صدام، طی بیانیه تلویزیونی از اعتراض مردم تحت عنوان بهار عربی حمایت کرد. تظاهرکنندگان به سبک تظاهرات ضد حکومتی در سایر کشورهای عربی خواهان سقوط نظام، آزادی زندانیان سنی و لغو قانون مبارزه با تروریسم شدند. المالکی در واکنش به اعتراضات مردم بخشی از خواسته‌های آنها را درست دانست و قول داد آنها در دستور کار دولت قرار دهد، اما هرگونه تغییر در قوانین کشور را خارج از وظایف دولت و به تصمیم پارلمان موکول کرد. المالکی بحران موجود را طراحی خارجی برای راه‌اندازی جنگ فرقه‌ای در عراق عنوان کرد و به صراحت ترکیه را به مداخله در امور داخلی کشورش متهم کرد. وی با جدا کردن حساب مردم معترض و دادن وعده به آنها، گروه‌های تروریستی را به برخورد سخت نظامی تهدید کرد تا بلکه بتواند اوضاع را کنترل کند و برای نشان دادن تمایز عراق با سایر کشورهای عربی آمادگی خود را برای انتخابات زودرس اعلام کرد. کمتر از دو هفته بعد از آغاز بحران، ایاد علاوی نیز خواهان انحلال پارلمان و برکناری المالکی و تشکیل دولت موقت از سوی پارلمان و انتخابات زودرس شد. این بحران یکی از عمیق‌ترین بحران‌های سیاسی است که طی سال‌های بعد از سقوط صدام در عراق به وقوع پیوسته و آثار و پیامدهای بسیاری خواهد داشت و چه بسا در مدت کوتاهی آرایش سیاسی کنونی در این کشور را برهم‌زند، زیرا ورود بعثی‌ها به صحنه سیاسی عراق و حمل پرچم رژیم گذشته و تصاویر صدام فقط شیعیان عراق را نگران نمی‌کند تا ناچار شوند اختلافات داخلی خود را کنار بگذارند، بلکه به همان اندازه، کردها را نیز نسبت به خطر بازگشت تفکر ناسیونالیست خشک عربی هراسان خواهد کرد؛ امری که ترس از آن سبب‌ساز هم‌پیمانی کرد و شیعه شد. از این‌روست که در بخشی از نخبگان کرد، همواره ایده زمامداری المالکی ضعیف و دارای تنش با دنیای عرب بر نخست‌وزیری یک عرب سنی و برخوردار از عمق عربی برتری داشته است. اگر به این موضوع، مخالفت پنهان و آشکار طیف وسیعی از سیاسیون کرد اعم از کسانی که از آبشخور فکری اتحادیه میهنی پیروی می‌کنند تا احزاب کوچک کردی و حتی بخش مهمی از کادر رهبری حزب دموکرات کردستان عراق را با تکیه بر مسعود بارزانی در نزدیکی بیش از حد به ترکیه بیفزاییم، درک احتمال جابه‌جایی اتحاد و ائتلاف‌ها در آینده عراق آسان‌تر خواهد شد. بدیهی است نتایج زودرس این بحران عبارت خواهد بود از: تضعیف زمینه هم‌پیمانی کرد و شیعه؛ از دست رفتن بخش مهمی از پایگاه المالکی بین اهل سنت عراق که بر اساس رویکرد ناسیونالیستی و ضد کردی وی به دست آمده بود و افزایش زمینه هم‌گرایی کرد و اهل سنت و ایجاد وضعیتی برای بارزانی، که بازیگران منطقه‌ای (کشورهای عربی، ترکیه و ایران) و بین‌المللی (آمریکا) و بازیگران داخلی (سنی و شیعه) را برای مدیریت تحولات عراق به او نیازمند خواهد کرد. نکته مهم و کانونی و خطرناک آن برای شیعه این است که شیعیان با جمعیت بین ۵۵ تا ۶۰ درصدی عراق

در سال ۱۳۹۱،
عراق به موازات
درگیری‌های
سیاسی، ناآرامی‌ها
و ناامنی‌های
گسترده‌ای را نیز
تجربه کرد

در هم‌پیمانی با کردها ۷۰ درصد جمعیت و در نتیجه، کرسی‌های پارلمان را در عراق نوین در اختیار دارند که در یک نظام پارلمانی تکیه‌گاه مناسبی برای پیشبرد سیاست‌های آنها بوده است. در صورت هم‌پیمانی کرد و اهل سنت با اندک تفاوتی جامعه عراق دوقطبی خواهد شد و اگر به این معادله حمایت بازیگران منطقه‌ای را نیز بیفزاییم عمق خطر برای حاکمیت اکثریت شیعه در عراق آشکارتر خواهد شد. تحقق این امر بدین معناست که کردها که روزی اهل سنت را دشمن اول خود می‌دانستند، از این به بعد، شیعه را دشمن اول خود فرض می‌کنند.

افزایش ناامنی

در سال ۱۳۹۱، عراق به موازات درگیری‌های سیاسی، ناآرامی‌ها و ناامنی‌های گسترده‌ای را نیز تجربه کرد. اولین نشانه بارز و خطرناک آن تجدید سازمان‌دهی و قدرت‌یابی القاعده بود که با الگوگیری از سوریه موجودیت ارتش حر را اعلام و مسئولیت برخی عملیات‌های تروریستی را با این نام به عهده گرفت. جدول شماره ۱ میزان تلفات ناامنی‌های این کشور را نشان می‌دهد:

جدول ۱: آمار تلفات در عراق بر اساس مناطق و قومیت در سال ۱۳۹۱

منطقه	کشته	مجروح	
۱	کرکوک و طوز خرماتو (عموماً شیعه نشین)	۱۴۵	۵۱۱
۲	مناطق سنی نشین	۲۵۹	۳۷۸
۳	مناطق شیعه نشین	۴۷۴	۷۴۳
۴	بغداد	۳۳۱	۷۹۰
۵	مناطق نامعلوم یا مشترک	۲۵۹	۷۴۴
جمع کل	۱۴۶۸	۳۱۶۶	

تجزیه و تحلیل ناامنی‌های عراق در سال ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که: ۱. اقلیم کردستان امن‌ترین منطقه این کشور بوده است ۲. بیشترین اقدامات تروریستی، که در قالب خودروهای انفجاری، عملیات‌های انتحاری و انواع و اقسام شیوه‌های تروریستی صورت گرفته بر شهرها و محل‌های سکونت شیعیان این کشور متمرکز بوده است ۳. در بغداد، پایتخت این کشور نیز، عمده عملیات‌ها علیه شیعیان به وقوع پیوسته است. ۴. عملیات‌های تروریستی در مناطق سنی یا علیه محل سکونت شیعیان انجام شده یا اگر علیه شهروندان سنی انجام گرفته نیروهای ارتشی،

پلیس و نیروهای صحوه و افراد شاخص عشایر و قبایل متمایل به همکاری با دولت مرکزی را هدف قرار داده است. ۵. تلفات ناامنی در کرکوک و طوز خورماتو از یک سو بیانگر عمق درگیری سه گروه شیعه، کرد و اهل سنت بر سر حاکمیت یافتن بر این مناطق است و از سوی دیگر، نشان می‌دهد بیشترین تلفات متوجه شیعیان ساکن این دو شهر بوده است. ۶. زوار ایرانی، پاکستانی و لبنانی نیز به طور هدفمند مورد تهاجم واقع شده‌اند.

ناکارآمدی دولت

در کنار بحران‌های سیاسی و استمرار ناامنی‌ها در عراق ناتوانی دولت در ارائه خدمات عمومی به مردم نظیر آب، برق، بهداشت و رشد لجام گسیخته فساد اداری و مالی نیز مزید بر علت شده است. به همین دلیل، مرجعیت شیعه و به ویژه حضرت آیت الله سیستانی در اعتراض به این روند در سال ۱۳۹۱ بسان سال قبل از پذیرش مسئولان سیاسی عراق خودداری و تنها در پاسخ به مکاتبات مسئولان اقلیم در زمینه درگیری شیعه و کرد از طریق نمایندگان خود دو طرف را به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات دعوت کردند. همچنین، معظم له در آخرین بحران سیاسی این کشور به طور غیر مستقیم المالکی را از انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زودرس بر حذر داشت و نمایندگان مرجعیت نیز از دولت خواستند به مطالبات مشروع مردم پاسخ مثبت دهد و از توسل به قوه قهریه برای پایان دادن به بحران پرهیز کند.

عراق و امنیت ملی ایران

همسایگی دو کشور ایران و عراق با مرزهای طولانی، وجود هشت سال جنگ تحمیلی بین دو کشور، اکثریت جامعه شیعه، موقعیت ژئوپلیتیکی، رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در این کشور و سرمایه‌گذاری کشورمان در عراق بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه، بعد از سقوط رژیم صدام و استمرار حضور بقایای ضد انقلاب در این کشور، شرایط را به گونه‌ای رقم زده است که هرگونه تغییر و تحولی در عراق بر امنیت ملی ایران نیز تأثیرگذار خواهد بود. هر چند آنچه تحت عنوان شرایط منطقه‌ای و داخلی عراق بیان شد، خواننده را به این تأثیرات رهنمون خواهد کرد، اما بی‌مناسبت نیست که به صورت خلاصه یا به فهرستی از مهم‌ترین پدیده‌هایی که در سال جاری، در عراق رخ داده و در دو بعد مثبت و منفی امنیت ملی کشور ما تأثیر گذاشته است، اشاره شود:

تأثیرات مثبت

۱. عراق در سالی که گذشت، در جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای با همه موانع موجود بر سر راهش، در کنار ایران قرار داشت. این کشور بر خلاف انتظار غرب و کشورهای عضو اتحادیه

صادرات ایران به عراق
در سال جاری با ۳۷
درصد رشد نسبت به
سال گذشته، مقام اول
را در میان دیگر کشورها
به خود اختصاص داده
است

عرب، که هم اکنون ریاست آن را بر عهده دارد، سیاست حمایت‌آمیزی از دولت سوریه و قیام مردم بحرین داشت و در حد امکان اجازه داد از فضای این کشور برای کمک‌رسانی به دولت سوریه استفاده شود و رسماً اعلام کرد در تحریم علیه این کشور شرکت نمی‌کند.

۲. روابط دو کشور ایران و عراق در همه زمینه‌ها از میله‌گذاری مرزی تا تبادل هیئت‌های عالی دو کشور در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی و افزایش میزان همکاری‌های تجاری رو به رشد بوده است، به طوری که صادرات ایران به عراق در سال جاری با ۳۷ درصد رشد نسبت به سال گذشته، مقام اول را در میان دیگر کشورها به خود اختصاص داده است. هم‌اکنون حجم تبادلات تجاری دو کشور با در نظر گرفتن فروش برق، سوخت، گردش‌گری، ترانزیت با موازنه مثبت به نفع ایران حدود ۸ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

۳. با پافشاری و اصرار دولت عراق، گروهک منافقین از پادگان اشرف خارج و به اردوگاهی در اطراف فرودگاه بغداد منتقل شدند و هم‌اکنون نیز دولت این کشور بر خروج نهایی آنها از عراق اصرار دارد.

۴. با همکاری مقامات اقلیم کردستان، تحرکات گروهک تروریستی پژاک در ناامن کردن مناطق غرب کشور مهار و در سال ۹۱ این منطقه از امنیت نسبتاً مناسبی برخوردار بود.

تأثیرات منفی

۱. در مجامعی که ایران به رأی عراق نیاز داشت، این کشور عملاً یا غایب بود یا با رأی ممتنع عملاً در کنار مخالفان ایران قرار گرفت.

۲. پای رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی از قبیل عربستان، ترکیه و قطر به این کشور بیش از پیش باز شد که کمترین پیامد منفی آن اختصاص بخشی از انرژی کشور به رویارویی با آنهاست.

۳. افزایش تنش بین کرد و شیعه از یک سو کردها را به سمت اهل سنت و رقبای منطقه‌ای ایران رانده و از سوی دیگر، قدرت بازیگری ایران در تحولات این کشور را فرو کاسته است.

۴. در اقلیم کردستان تضعیف اتحادیه میهنی و هم‌گرایی دوستان سنتی ایران شامل گروه‌های اسلامی و احزاب کوچک کردی به ترکیه و جبهه واگرا از جمهوری اسلامی ایران موازنه را به ضرر ایران تغییر داده است.

۵. ضد انقلاب کرد ایرانی از جمله جناح‌های مختلف کومله و دموکرات در زمینه‌های مختلف سیاسی، ارتباط با مسئولان اقلیم، کشورهای اروپایی و دریافت کمک‌های مالی و لجستیکی از اقلیم از آزادی عمل بیشتری نسبت به سال‌های گذشته برخوردار شده‌اند.

۶. به دلیل شباهت نفت دو کشور و افزایش تولید نفت در عراق و تحریم نفتی ایران،

نفت این کشور در حال جایگزین شدن نفت ایران است و در حال حاضر، عراق به کشورهای آمریکا، چین، اسپانیا، انگلیس، هند، ایتالیا، کره، روسیه، برزیل، یونان، ژاپن، فرانسه، آذربایجان و ترکیه نفت می‌فروشد.

۷. زائران عتبات عالیات اعزامی از کشورمان از سوی گروه‌های تروریستی هدف قرار گرفتند، در این سال، ۷ زائر ایرانی شهید و ۳۵ نفر مجروح شدند که نسبت به سال قبل صددرصد افزایش را نشان می‌دهد. ادامه این روند موجب شده است سازمان حج و زیارت اعزام زائران به شهر مقدس سامرا را به حالت تعلیق در آورد.

برآورد مقایسه‌ای

تلاش عراق برای بازگشت به صحنه بین‌المللی و منطقه‌ای موضوعی است که بعد از سقوط رژیم گذشته تا کنون سابقه نداشته است. با وجود این، در سال نخست رویکرد جدید خود توانست در بحران‌های منطقه‌ای، سیاست مستقلی از خود به نمایش بگذارد، برگزاری دو اجلاس موفق منطقه‌ای و بین‌المللی در بغداد و برقراری هم‌زمان رابطه با آمریکا و روسیه را می‌توان از موفقیت‌های دولت عراق در این عرصه برشمرد.

وقوع سه بحران سیاسی داخلی در این کشور در طول یک سال، در یک دهه گذشته بی‌سابقه است. پیامد آن به قطب‌بندی هرچه بیشتر جامعه و افزایش سطح واگرایی قومی و مذهبی در این کشور منجر شده است. این تحول عقب‌گردی آشکار در حفظ انسجام ملی و گامی به سوی تجزیه این کشور مهم منطقه به شمار می‌آید. بدیهی است مسئولیت اصلی آن متوجه شیعیان است که زمام حکمرانی عراق را در اختیار دارند. بی‌شک، مهم‌ترین دلیل این ناکامی آن است که شیعه در قبال مسائل کلان عراق در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی فاقد راهبرد مشخص است. از این رو، ضروری‌ترین اقدام شیعیان تدوین یک راهبرد است، به طوری که ضمن کسب حمایت مرجعیت از یک سو، تمام گروه‌ها و احزاب شیعه در آن صاحب نقش باشند و از سوی دیگر، اقلیت کرد و سنی احساس مشارکت کنند و توده مردم عراق نیز در سایه چنین حکومتی از پیشرفت، رفاه و شکوفایی برخوردار شوند. در خلاء چنین برنامه منسجمی برای اداره حکومت، چشم‌انداز روشنی برای موفقیت و تثبیت حاکمیت شیعه در عراق دور از انتظار و دسترس است.

مقایسه حوادث امنیتی سال جاری عراق با سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ (۲۰۰۶ و ۲۰۰۷)، که اوج بی‌ثباتی و ناامنی در عراق بود، از وضعیت قابل قبول‌تری برخوردار است، اما نسبت به سال ۱۳۹۰ این روند منفی بوده است. مقایسه جدول شماره ۲ - که آمار تلفات در سال ۱۳۹۰ را نشان می‌دهد - با جدول شماره ۱ میزان رشد ناامنی و تلفات را مشخص می‌کند.

در مجامعی که
ایران به رأی
عراق نیاز داشت،
این کشور عملاً با
غایب بود پا با رأی
ممتنع عملاً در کنار
مخالفان ایران قرار
گرفت

جدول ۲: آمار تلفات در عراق بر اساس مناطق و قومیت در سال ۱۳۹۰

ردیف	منطقه	کشته	مجروح
۱	اهل سنت	۸۰ نفر	۱۶۵ نفر
۲	شیعه	۲۳۷ نفر	۵۴۱ نفر
۳	اکراد (کرکوک)	۳۰ نفر	۱۰۰ نفر
۴	بغداد	۸۰ نفر	۲۴۹ نفر
۵	نامعلوم کل عراق	۱۸۵ نفر	۳۶۴ نفر
۶	آمریکایی	۲ نفر	
۷	شورش القاعده در زندان	۱۸ نفر	
جمع کل		۶۴۷	۱۴۱۹

تلاش این کشور در زمینه کارآمد کردن دولت در ارائه خدمات مورد نیاز مردم در مقایسه با سال‌های گذشته تفاوت چشم‌گیری نداشته و با اینکه وضعیت اقتصادی مردم نسبت به گذشته بهبود یافته، اما همچنان آنها با کمبود خدمات عمومی روبه‌رو هستند. بدیهی است این مشکل در همه جای این کشور یکسان نیست. برای مثال، در اقلیم کردستان وضع به مراتب از مناطق تحت حاکمیت دولت مرکزی بهتر است و برخی معتقدند هیچ تناسبی بین ارائه خدمات در اقلیم کردستان با سایر مناطق عراق وجود ندارد.

چشم‌انداز ۱۳۹۲

صحنه سیاسی عراق و منطقه پویایی بسیاری دارد؛ از این رو، پیش‌بینی تحولات این کشور حتی در کوتاه‌مدت کار آسانی نیست و به مؤلفه‌ها و عوامل گوناگونی وابسته است. به نظر می‌رسد تحولات سال آینده این کشور از نتایج و پیامدهای تحولات سوریه و به طور مشخص، سقوط یا استمرار دولت بشار اسد؛ حفظ یا برهم خوردن موازنه قوا در اقلیم کردستان بعد از غیبت طالبانی؛ افزایش تأثیر قیام‌های عربی در کشورهای حوزه خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی؛ راهبرد آمریکا به حفظ و یکپارچی عراق یا تقسیم آن و فرجام بحران سیاسی کنونی در عراق بستگی دارد. با این حال، به نظر می‌رسد شاخص‌های تحولات سال آینده عراق عبارت باشند از:

۱. در صورت عدم همراهی نظام بین‌المللی با تقسیم عراق گرچه سطح تنش‌های سیاسی بین سه بازیگر اصلی عراق یعنی کردها، شیعیان و اهل سنت همچنان رو به افزایش خواهد بود و تمرکز کردها و اهل سنت و همراهی گاه و بیگاه برخی از جریان‌های شیعی روی برکناری المالکی و روی کار آوردن نخست‌وزیر شیعی دیگر خواهد بود، اما تنش‌ها به گونه‌ای خواهد بود که اوضاع را از کنترل خارج نخواهد کرد.

۲. با وجود آنکه نشانه‌هایی از رغبت غرب به ویژه آمریکا به تجزیه عراق مشاهده نشده است، اما چنانچه چنین چراغ سبزی از سوی نظام بین‌المللی و به طور مشخص، آمریکا به تجزیه عراق نشان داده شود، ابتدا تنش‌های سیاسی بین بازیگران داخلی افزایش خواهد یافت، پیامد آن میل‌تاریزه شدن فضای این کشور و افزایش عملیات‌های تروریستی علیه یکدیگر به ویژه در مناطق جنوب، وسط و غرب این کشور است که در نهایت، عراق را به سمت جنگ داخلی سوق خواهد داد و سرانجام، کار به جایی می‌رسد که تجزیه این کشور را گریزناپذیر می‌کند. کردها در این شرایط، اجازه نخواهند داد آتش درگیری دامن آنها را بگیرد. در نتیجه، همه کوشش آنها به افزایش سطح تنش و درگیری در مناطق غیرکردی معطوف خواهد شد.
۳. در سال آینده مقرر است انتخابات شورای استان‌ها برگزار شود. اگر بحران کنونی عراق ادامه یابد یا راه حل مرضی‌الطرفین پیدا نشود، دولت مرکزی و شیعیان به صورت عمومی تلاش خواهند کرد انتخابات شورای استان‌ها به موقع برگزار شود، اما اهل سنت، که از بروز قدرت مردمی نخست وزیر عراق آگاه‌اند، در این روند کارشکنی خواهند کرد. مسئله کردها فقط به کرکوک محدود خواهد شد و تلاش آنها این خواهد بود که یا انتخابات شامل کرکوک نشود یا مطابق خواست آنها برگزار شود. به هر حال، در صورت برگزاری انتخابات استان‌ها، گروه‌های شیعه جز صدری‌ها با دولت مرکزی هماهنگی زیادی در زمینه فهرست‌های مشترک خواهند داشت که نتیجه آن به نفع فهرست دولت قانون به ریاست المالکی خواهد بود.
۴. با خارج شدن طالبانی از گردونه سیاست و قدرت، موضوع جایگزینی وی از دیگر مسائلی است که مدت‌ها محیط داخلی عراق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق قانون اساسی این کشور یک ماه پس از مرگ و یا اثبات ناتوانی رئیس‌جمهور در انجام وظایفش، بر اساسی مکانیسمی که به تأیید پارلمان و دادگاه قانون اساسی می‌رسد، پارلمان باید فرد دیگری را برای ریاست جمهوری برگزیند، اما از آنجا که در عراق، همه چیز بر اساس توافق گروه‌هاست، موضوع جانشینی رئیس‌جمهور امر پیچیده‌ای خواهد شد، زیرا از یک سو، کردها تلاش دارند مقام دوم در دولت مرکزی را برای خود حفظ کنند و از این منظر با اهل سنت که این مقام را حداقل حق قانونی خود می‌دانند، دچار چالش خواهند شد و از سوی دیگر، شیعیان و دولت مرکزی نیز به این مسئله به عنوان ابزاری برای مدیریت تعامل با کردها و اهل سنت می‌نگرند و احتمالاً المالکی ترجیح می‌دهد برای جذب اهل سنت عراق و جست‌وجوی راهی برای تعامل با دنیای عرب این مقام به فردی هم‌گرا با خود در اهل سنت برسد. انتخاب جایگزین طالبانی در درون اتحادیه میهنی و در روابط این گروه با بارزانی نیز مسئله‌ای به غایت پیچیده است. بنابراین، در شرایط کنونی و حداقل تا زمانی که طالبانی در قید حیات است، همه سعی خواهند با سکوت از کنار آن بگذرند.
۵. ادامه وضع موجود سبب افزایش نقش بازیگران منطقه‌ای در داخل عراق خواهد شد و به طور مشخص، جبهه‌ای مرکب از سه کشور ترکیه، سعودی و قطر در مقابل ایران به رقابت

جدی خواهند پرداخت، با این فرق که آنها آشکارا از اهل سنت و کردها علیه دولت مرکزی حمایت خواهند کرد، اما ایران ناچار است برای خنثی کردن اقدامات این جبهه، برای حل و فصل مناقشات داخلی عراق با هر سه جریان کرد، شیعه و اهل سنت تعامل کند.

۶. آمریکا که تا یک سال پیش، بازیگر اصلی صحنه عراق بود، به ظاهر عقب کشیده و سه کشور ترکیه، عربستان و قطر به نیابت از وی به چالش با ایران خواهند پرداخت و این کشور نقش موازنه‌گر پیدا خواهد کرد. نباید فراموش کرد که انگلیس به صورت نرم‌افزاری و کاملاً پنهان در سیاست عراق نقش بیشتری خواهد داشت.

۷. در اقلیم کردستان در سال آینده، باید انتخابات شورای استانی، ریاست اقلیم و پارلمان اقلیم برگزار شود. اگر انتخابات شورای استانی سراسری عراق را نیز اضافه کنیم، اقلیم کردستان با چهار انتخابات روبه‌رو خواهد بود. اقلیم کردستان در سال آینده، احتمالاً چنین آرایشی به خود خواهد گرفت: در کوتاه‌مدت موازنه به نفع حزب دموکرات به هم خواهد خورد، اتحادیه میهنی از رقیب اصلی حزب دموکرات خارج خواهد شد و گروه تغییر و اتحاد اسلامی کردستان جای آن را خواهند گرفت، با اینکه در کوتاه‌مدت رهبران اتحادیه میهنی تلاش خواهند کرد تا وحدت خود را حفظ کنند، اما در بدنه این تشکیلات، سه جریان عمده بروز خواهد کرد، گروهی به دور هیرو ابراهیم احمد، همسر طالبانی، جمع خواهند شد و احتمالاً حزب دموکرات ترجیح خواهد داد از آنها حمایت کند، گروهی طرفدار کوسرت، رسول علی، معاون فعلی طالبانی، خواهند بود. این جناح بیشترین گرایش را به سمت تغییر از خود بروز خواهد داد تا جایی که ممکن است در میان‌مدت و بعد از مرگ و ناتوان‌شدن بیشتر کوسرت رسول، که از نوعی بیماری رو به رشد اعصاب رنج می‌برد، به جنبش تغییر پیوندند و گروه سوم نیز طرفداران برهم صالح‌اند که از عمق تشکیلاتی چندانی برخوردار نیستند، اما به سبب نخبه‌بودن این فرد و اهمیتی که بازیگران داخلی و خارجی عراق به او خواهند داشت، وارث بخشی از اتحادیه میهنی خواهد شد.

۸. در انتخابات شورای استانی سراسری عراق، یعنی در استان‌هایی که کرد، شیعه و سنی مشترکاً سکنی دارند، کردها فهرست مشترک خواهند داشت و در هر استان، یکی از گروه‌های کردی سرفهرست خواهد شد، اما در سه استان تحت حاکمیت اقلیم یعنی اربیل، سلیمانیه و دهوک، احتمالاً پارتی و اتحادیه میهنی فهرست مشترک خواهند داشت، اما جنبش تغییر و دو گروه اسلامی اتحاد اسلامی و جماعت اسلامی بعید است در فهرست مشترک با پارتی شرکت کنند. از همه اینها مهم‌تر انتخابات رئیس اقلیم است که از یک سو، همه گروه‌ها خواهان لغو این رویه و تغییر روش ریاستی به پارلمانی هستند و از سوی دیگر، با اتمام دو دوره ریاست بارزانی بر اقلیم و وجود منع قانونی نامزدشدن مجدد وی و تلاش این گروه بر حفظ قدرت در دست بارزانی، این حزب تلاش خواهد کرد از یک سو نظام ریاستی را حفظ کند و از سوی دیگر، با دادن امتیازاتی به سایر گروه‌ها حداقل در کوتاه‌مدت، بارزانی را همچنان در ریاست اقلیم حفظ کند. اوضاع آشفته عراق و ضرورت حفظ انسجام کردی در رویارویی با بحران‌های پیش رو، زمینه مناسبی برای استمرار ریاست بارزانی بر اقلیم فراهم خواهد کرد.